

<p>امروز در تاریخ:</p> <ul style="list-style-type: none"> رادروژ خواجہ نصیرالدین طوسی در توس (۵۷۹ ش) / روز مهندس در ایران شروع فعالیت شرکت هواپیمایی ملی ایران (۱۳۴۶ ش) پہرہ برداری از سد امیرکبیر آغاز شد. (۱۳۴۱ ش) درگذشت پرویز فنی زاده، بازیگر (۱۳۵۸ ش) 	<p>■ روزنامہ فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی</p>	<p>حدیث روز: امام صادق (ع): از دست دادن حاجت و نیاز، بهتر از نقضای به ناهل است و دشوارتر از گرفتاری، بدخوی ناشی از آن گرفتاری است.</p>
	 <p>شاپا: +۹۸ ۲۱ ۳۳۰۱۳۳۱۱ پایگاہ اطلاع رسانی: www.jamejamdaily.ir پست الکترونیک: info@jamejamdaily.ir</p>	<p>واحه: راہی بزن کہ آہی بر ساز آن توان زد شعری بخوان کہ با ورط گلران توان زد</p>
<p>حکمت ۱۴: نہج البلاغہ کسی را کہ نزدیکانش واگذارند، بیگانہ اورا پذیرا می شود.</p>	<p>Tuesday - February 23, 2021 استان تهران و البرز ۲۵+ تومان - دیگر استان ها ۱۵+ تومان</p>	<p>اوقات شرعی: آذان ظهر: ۱۲/۱۸ آذان مغرب: ۱۸/۱۲ آذان صبح (فرجا): ۵/۱۷</p>
<p>وضعیت آب و هوای امروز:</p>	<p>سہ شنبہ ۵ اسفند ۱۳۹۹ ۱۱ رجب ۱۴۴۲ ۲۰ صفحه سال بیست و یکم - شماره ۵۸۸۵ استان تهران و البرز ۲۵+ تومان - دیگر استان ها ۱۵+ تومان</p>	<p>اوقات شرعی: غروب آفتاب: ۱۷/۵۴ نیمه شب شرعی: ۲۳/۳۶ طلوع خورشید(فرجا): ۶/۴۱</p>
<p>تهران ۱۴ / ۴</p>	<p>اصفهان ۱۸ / -۳</p>	<p>بندرعباس ۲۹ / ۱۵</p>
<p>رشت ۱۱ / ۳</p>	<p>زاهدان ۲۴ / ۶</p>	<p>سمان ۱۴ / ۲</p>
<p>همدان ۱۰ / -۵</p>	<p>یزد ۱۹ / ۳</p>	

نمی‌داشت. روزی یکی از اهالی دهات اطراف که مورد ظلم یکی از عمال جعفرخان به نام مسعودخان فراستخواه قرارگرفته بود به گنجرف رفت و نزد جعفرخان از مسعود خان شکایت کرد. جعفرخان دستور داد کاغذ و قلم حاضر کردند و نامه‌ای خطاب به مسعود قلم خاخورشود و در آن وی از ظلم و ستم به رعیت بار حذر داشت. سپس نامه را به شخص شاکي داد و گفت آن را به مسعودخان بدهد. شخص شاکي نزد مسعودخان رفت و نامه جعفرخان را به وی داد. مسعودخان وقتی نامه را خواند، دستور داد چوب و فلک حاضر کردند و شخص شاکي را اکتک زدند و پس از آن به شخص شاکي دستور داد نامه جعفرخان را تکه تکه کند و خشک خشک بخورد. فردای آن روز شخص شاکي که خیلی شاکي بود بار دیگر نزد جعفرخان رفت و از مسعودخان شکایت کرد. جعفرخان دستور داد کاغذ و قلم حاضر کنند تا نامه دیگری خطاب به مسعودخان بنویسد. شخص شاکي گفت: جسران را نمی‌توانم نامه را در کاغذ کوچک بنویسمید که قابل خضم باشد. جعفرخان گفت: مسگر چه طور؟ شخص شاکي ماجرا را برای جعفرخان بازگو کرد و جعفرخان

این مسعودخان عجب انسان و بانمکی است. شخص شای گفت: جسرًا شما را اگر مقداری جدیت می‌داشتید هم بد نبود. در این لحظه جعفرخان جدی شد و دستور داد مسعودخان را نزد وی بیاورند. سپس وی را از مقام خود عزل و فتحعلی‌خان اوسانی را به جای او منصوب کرد. مسعودخان که در این تصمیم جعفرخان مکرر شده بود به جعفرخان گفت: شما که به خاطر حرف یک رعیت عاملان خود را برکنار می‌کنید آیا می‌دانید موجب پرور شدن رعیت و افزایش مطالبات آنان می‌شوید؟ جعفرخان گفت: بلی. مسعودخان گفت: پس هیچی. وی سپس از کلیه کارهای اجرایی کناره‌گیری کرد و به فعالیت‌های اقتصادی و هنری مشغول شد.

■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی

شماره ۵ اسفند ۱۳۹۹ | ۱۱ رجب ۱۴۴۲ | ۲ صفحه | سال بیست و یکم - شماره ۵۸۸۵ | استان تهران و البرز ۲۵۰۰ تومان - دیگر استان ها ۱۵۰۰ تومان | Tuesday - February 23, 2021
 چاپ - چاپخانه روزنامه جام جم
 شماره پیامک: ۳۰۰۰۱۱۴۰ | روابط عمومی: ۲۲۶۶۲۱۴۲
 امور مشتریان: ۴۴۲۰۶۳۰ | سازمان آگهی ها: ۴۹۱۵۰۰۰
 سازمان شهرستان ها: ۵۸۹۷۰ | کد پستی: ۱۹۱۱۶۱۴۳
 تلفن: ۰۲۱-۳۳۰۴۰۰۰ | دوازدهم تهران: ۳۳۳۶۲۵۱
 تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدير، شماره ۱۲۹

وضعیت آب و هوای امروز
 تهران ۱۴ / ۴
 اصفهان ۱۸ / -۳
 بندرعباس ۲۹ / ۱۵
 رشت ۱۱ / ۳
 زاهدان ۲۴ / ۶
 سمنان ۱۴ / ۲
 همدان ۱۰ / -۵
 یزد ۱۹ / ۳

چطور باید توقع داشت آن را هدیه بدهند یا انتظار داشته باشند این میراث را هدیه بگیرند و برای آن شوق داشته باشند.

فرق واسطه با دلال

به مرادخانی می‌گویم هر چقدر رسانه‌ها و فعالان میراث فرهنگی و صنایع دستی در این زمینه کار کرده و آنها را به مردم معرفی می‌کنند، از آن طرف ارائه‌دهندگان این آثار، قیمت آنها را افزایش می‌دهند، به گونه‌ای که گاهی حتی اگر علاقه‌مند به آنها باشد، به نفعات مالی اجازه خرید را نمی‌دهد. این کارشناس می‌گوید: نسبت به زحمتی که برای این آثار کشیده می‌شود، به نظر قیمت آنها بالا نیست. از طرفی الان فعالان این حوزه آنها را در شبکه‌های اجتماعی و اینستاگرام یا سایت‌های خاص می‌فروشند و به این وسیله دست دلالان بسته شده و قیمت‌ها معقولانه‌است. زمانی قیمت‌ها نخویم و غیرقابل قبول می‌شود که دلال وارد حوزه شده و صنایع دستی را از تولیدکننده با قیمت ارزان می‌خرند و به مشتری گران می‌فروشند. در چنین شرایطی هم تولیدکننده و سازنده ضرر می‌کند و دستمزد اصلی خود را نمی‌گیرد، هم مشتری از قیمت و گاهی کیفیت ناراضی است. به نظر برای قیمت‌گذاری درست و معضانه، میزان اثر فرهنگی باید به قضیه ورود کرده و به وسیله کارشناسان صنایع دستی و سستی هر منطقه را قیمت‌گذاری کند. وقتی متولیان اصلی، خود را کنار کشیده‌اند و وظیفه خود را انجام نمی‌دهند، دلالان و کاسبان سودجو وارد حوزه شده و بازار را به دست می‌گیرند که باعث کساد بازار هم می‌شوند. البته این را بگویم که واسطه با دلال فرق دارد و در بیشتر جاها وقتی فعالان صنایع دستی ورود می‌کنند و به سازندگان صنایع بومی و سنتی کمک می‌کنند تا اجناس خود را بفروشند باعث رونق این دست‌سازها می‌شوند. مثلاً لعانی خیرخواه هستند که در سیستان و بلوچستان در فضای مجازی و سایت‌های اینترنتی، سوزن‌دوزی‌های زنان این منطقه را می‌فروشند که با این کار هم به مردم منطقه کمک می‌کنند و هم باعث ترویج و احیای این هنر می‌شوند.

دادن انتخاب کنند، در گام اول باید صنایع دستی سنتی و بومی را بشناسند و با آنها ارتباط عاطفی برقرار کنند. اما در کشور ما این خلا عاطفی بین میراث فرهنگی و مردم وجود دارد. برای معرفی آنها تقریباً هیچ کاری صورت نمی‌گیرد، نه در میلمان شهری از آنها استفاده‌ای شود نه در رسانه‌ها دیده‌ای شوند. در کدام فیلم و سریال دیده‌اید از صنایع دستی یا دست‌دوزها و دست‌سازهای ایرانی برای اثر دکوری و تزئین خانه استفاده شود یا بازیگران این آثار از پوششی استفاده کنند که نمادی از آنها در دوخت و تزئین لباس‌ها به کار رفته باشد. عموم مردم کاملاً با صنایع دستی و میراث فرهنگی بیگانه هستند و وقتی آنها را نمی‌شناسند و ارتباط عاطفی با آنها برقرار نکرده‌اند

گفت‌وگو با حجت‌میرادخانی، پژوهشگر هنرهای خلاق

با عشق، هدیه بخر!

در کشور ما که هر گوشه‌اش بازبور صنعتی ظرفیت، دست‌سازی و دست‌دوزی آراسته شده و ما با خرید و هدیه دادن این صنایع، هم به رشد و چرخش مالی آنها کمک می‌کنیم و هم این صنایع را حفظ کرده و باعث چرخش آنها در سراسر کشور می‌شویم. اما اول این سوال را مطرح می‌کنیم که چرا صنایع دستی و سنتی در اولویت هدیه دادن نیستند؟



**خلا عاطفی در میراث
فرهنگی و سنتی**

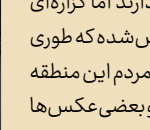
حجت مرادخانی، کارشناس
و استاد دانشگاه این
حوزه بر این باور است
برای این‌که مردم
این صنایع را
برای هدیه

🕒 وقت، وقت هدیه دادن و هدیه گرفتن است. امسال این وقت مغنم و دوست داشتنی ۱۴۰۴ ایهمن شروع شده‌که ولادت حضرت (هر)اس) و روز روز بود. بنجشنه همین هفته هم که ۱۳ رجب است و میلاد حضرت امیرالمومنین (ع) و روز مرد و بعد هم که می‌رسد به عید نوروز. در این میان و در طول سال هم که اعیاد مذهبی زیادی داریم و روزهای تولد و سالروزهای ازدواج بقیه که ما ایرانی‌ها بنا به سنتی دیرینه در این مناسبت‌ها هدیه می‌دهیم و هدیه می‌گیریم. چه هدیه بدهی و چه بگیر، به اشتراک گذاشتن یک حال خوب را تجربه می‌کنی. حال خوبی که مدت‌های زیادی با تو همراه است. به‌خصوص اگر هدیه به گونه‌ای باشد که مقابل دیدت باشد و آن را از عزیز دریافت کرده باشی این حس و حال خوب امتداد پیدا می‌کند. ایرانی‌ها از همان قدیم‌ها عادت داشتند به هم هدیه بدهند، حتی در مراسم سوگواری. هنوز هم این رسم در روستاها و شهرستان‌هایی که سبک زندگی‌شان خیلی تغییر نکرده و آداب قدیمی در زندگی‌شان جاری است، دیده می‌شود. قدیمی‌ترها باور دارند در خانه عزا باز است و همه می‌آیند و باید پذیرایی شوند، بنابراین هزینه فرد سوگوار زیاد می‌شود و باید به کمک کرد. هر کسی بنا به جیبش و دارایی‌اش هدیه‌ای به خانه شخص سوگوار می‌آورد. یک کله قند بگیر تا خرما و گوسفند و آرد. از قدیم باب بود و هست کسی که به سفر می‌رود، برای نزدیکان و دوستان هدیه سفر (سوغاتی) می‌آورد هرچند کوچک. وقتی سوغاتی می‌دهیم، یادآوری می‌کنیم، «قابلی ندارد فقط این که در سفر به یادت بوم».

اما راستش را بخواهید، در چند سال اخیر از وقتی ایرانی‌ها بنا به رویه‌های اجتماعی و اقتصادی روی موج چشم و هم چشمی و تملک‌گرایی سوار شدند و برخی قصد پیاده شدن ندارند به خصوص با رونق شبکه‌های اجتماعی و اینترنت‌گام، هم‌جمله کوچه‌کس‌ها با برعنائی دارند و مصداق همان جمله دوست داشتی «به یاد بودم» هستند جای خود را به هدیه‌های پرزرق و برق و به اصطلاح «تو چشم» دادند که گران هم هستند. شاید به همین دلیل است که برخی ترجیح می‌دهند در این روزگار و با این طرز فکر نه هدیه بدهند، نه هدیه بگیرند. اما با این همه مناسبت خوب و نزدیک شدن به عید نوروز، به نذیریدم درباره خصلت خوب هدیه دادن بنویسم و یادآوری کنیم بهترین هدیه‌ها که هم زیبا باشند و هم بار معنایی مناسبی داشته باشند، صنایع دستی بومی و سنتی است. آن هم

موهبت کرونادر حوزه صنایع دستی

ی خوب ترویج صنایع دستی و خرید آنها نام برد و توسعه پیدا کرد و مردم به مرور دارند به این نوع کمک می‌یاد می‌گیرند چگونه رضایت مشتری را جلب دادید، در فضای مجازی و اینستاگرام صفحات زیادی به مردم به این صنایع عادت کرده و در آینده هم ... در این میان البته باید سازمان‌های مرتبط بشوند و به مردم آموزش دهند که جنس اصل را از بگویم کالایی که با دست ساخته شده با کالایی که ماشین آن اثر منحصر به فرد است و با دیگر آثاری که در خانگی در دکور و تزئین خانه هستند که اگر می‌تواند نام اصلی را لباس اصلی استفاده کنند که روی دستی ایرانی علاقه مند می‌شوند.



این حرفی است که جهادگران حاضر در منطقه سی سخت هم به زبان می‌آورند و بچه‌های هلال‌احمر هم بر آن صحنه می‌گذرانند اما گزاره‌ای دیگر هم از این منطقه بعد از زلزله چند روز پیش گزارش شده که طوری توی ذوق شنونده می‌زند که انگار با تمام اوصافی که از مردم این منطقه گفتم متغایر باشد. گزاره‌ای که شاهدان عینی می‌گویند بعضی عکس‌ها رویدونهای منتشرشده از این منطقه حتی آن است. بعد از مردم که بعد از زلزله تمام زندگی‌شان را از دست داده‌اند، خانه‌شان ویران و دارایی و دسترنج چند ده ساله‌شان با خاک یکسان شده، می‌گویند ای‌کاش این زلزله شدیدتر بود و جان‌مان را هم می‌گرفت که دیگر شاهد این روزها و این وضعیت نباشیم.

شاید در اولین برخورد بعد از این که آه بلندی از اعماق دل‌تان بلند شد و به پیچ گوشتان رسید با خودتان بگویید این حرف‌ها به اوصافی که در طرقاتی و سخت‌کوشی مردم این منطقه شنیده‌ایم نمی‌خورد اما واقعیت این است هیچ تعریف و صفت مطلق در این دنیا وجود ندارد و همه چیز نسبی تعریف می‌شود.

مردان سخت ویولا دین

آن طور که محلی ها و بومیان سی سخت گذشته و تاریخچه سرزمین شان می گویند، این منطقه از وجه تسمیه اش هم سختی و بلا بله می شود. در تعریفی که دایرةالمعارف از وجه تسمیه این منطقه نوشته اند آمده: «محلیا این سامان به روایت از روابیان قدیمی گفته اند که واژه اسی سی سخت به این ترتیب بوده که سی مرز فولادین و سرخست منطقه سختی داشتند در زمستانی پر برف و یخبندان از گردنه معروف «بیژن» عبور نمایند ولی به علت مسدود بودن گردنه از برف و سرمای بیش از حد، هم آن سی نفر در این راه کشته شده اند. از این رو این منطقه را سی سخت یعنی سرزمینی که سی نفر از سخت ترین مردان آن زمان در آن جا سپرده اند، خوانده اند. سرزمینی که طبق گفته بومیان با از پا درآوردن مردان پولادین باگرفته است، طبیعتا باید مردمانی پولادین تر و پرقاط و پرورش بدهد. کندی که از نزدیک با مردم این منطقه دم خور بوده اند این گزاره را تأیید می کنند و می گویند این منطقه که هنوز هم شبیه همان داستان اسفندیاری سرمای استخوان سوزی دارد، مردمانی گرم خور و پرقاط و سختخوش را در دامان خود پرورش داده است.

